



این طرح‌ها موجب توسعه شهرها و گسترش هزینه‌های شهری و خدمات شهری شد و به آن هدفی که تولید مسکن بود نرسید. به نظر شما که در آن زمان هم در وزارت مسکن و هم در بنیاد مسکن مسئولیت داشتید، چند درصد آن اهداف محقق شد؟

زمین‌هایی که تحویل داده شد همگی ساخته شده است مانند زمین‌های یوسف‌آباد، لواسانات و... و هیچ زمینی به صورت پایان باقی نمانده است. بنابراین سیاست افزایش عرضه مسکن با استفاده از روش واگذاری زمین انجام شده است. اما اینکه منافع آن در جیب چه کسانی رفته باشد، مسأله است. آنهایی که معتقدند واگذاری زمین موجب توسعه شهرها است و در نتیجه، تأمین نیازهای خدماتی در شهر افزایش پیدا می‌کند، حرف صحیحی است. اما شما بفرمایید جمعیتی را که هر روز در حال اضافه شدن بودند، کجا باید جا می‌دادیم؟ باید از تعداد افراد ساکن در مناطق پرجمعیت کاست. لذا در تهران به کسانی مسکن واگذار می‌کردیم که دست‌کم ۶ سال در تهران زندگی کرده باشند. ما باید دنبال علی باشیم که روستاییان به شهرهای کوچک و ساکنان شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ می‌آیند. ما باید دنبال این علل باشیم که قسمت اعظم آن نبود اشتغال و امکانات است. لذا باید این امکانات را در تمام شهرهای سراسر کشور نیز ایجاد کرد. [۲]

مروری بر مستند رؤیای آجری

تلاش‌های امام برای خانه‌دار کردن مردم

● با توجه به اینکه در قانون اساسی بر تأمین مسکن مناسب برای مردم تأکید شده است اما احساس می‌شود این مسأله در سیاست‌گذاری‌های بخش مسکن در ادوار گذشته مورد غفلت واقع شده است و هزینه مسکن با درآمد خانوار تناسبی ندارد. نتیجه این بی‌توجهی این است که با وجود کمبود مسکن در کشور و تقاضای انباشته شده در این بخش، به عنوان مثال با پدیده خانه‌های خالی خصوصاً در شهرهای بزرگ روبه‌رو هستیم.

این مسأله به مدیریت دولت در بخش‌های زیربنایی مرتبط است. قوانین مالیاتی، پروانه‌های ساخت و حتی حق انشعاب آب و برق و گاز و... مواردی هستند که دولت می‌تواند از پتانسیل آنها برای مدیریت بخش مسکن استفاده کند. به نظر بنده می‌توانیم سیاست‌های ساخت مسکن را از نظر سطح زیربنای واحدهای مسکونی جهت بدهیم. کشورهایی هم که سرانه مسکن آنها از میانگین جهانی کمتر بوده است همین سیاست را در پیش گرفته‌اند.

پی‌نوشت:

[۱]. «کوچک سازی» یکی از سیاست‌های ناکارآمدی است که با الگو گرفتن نامناسب از تجربیات جهانی و بدون در نظر گرفتن وضعیت بومی به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مورد تأکید مسئولان امر قرار می‌گیرد که مطمئناً با توجه به فرهنگ عامه مردم خانواده‌ها را دچار معضلات و مشکلات عمیق فرهنگی و اجتماعی خواهد کرد. به نظر می‌رسد به جای واژه «کوچک سازی» باید به دنبال «استاندارد سازی» الگوی مصرف واحد مسکونی با توجه به فرهنگ خانوارهای ایرانی بود.

[۲]. با توجه به برآورد جمعیتی که برای هر شهر با توجه به امکانات، خدمات و محدودیت‌های جغرافیایی موجود در آن صورت می‌پذیرد، برای تراکم و گسترش افقی آن برنامه‌ریزی انجام می‌شود. در صورت سرریز جمعیتی و یا مهاجرت بی‌رویه جمعیت باید به فکر شوکرهای اقماری یا حمل و نقل مناسب و یا سیاست‌های آمایشی مهاجرت معکوس بود.



درباره کارگردان

داوود مرادیان کارگردان رؤیای آجری است. او کار فیلمسازی را از دستگیری در بخش‌های کارگردانی و تدوین آغاز کرده است. در رؤیای آجری نیز علاوه بر کارگردانی، تهیه‌کنندگی و نویسندگی مستند را نیز انجام داده است. در کنار اینها، پژوهش کار را نیز خودش بر عهده دارد. مرادیان، ابتدا رشته مهندسی برق را دنبال می‌کرده اما در ادامه به دنبال رشته عکاسی می‌رود. او کارش را از سینمای داستانی شروع کرده و پس از دوران سریالی وارد عرصه مستندسازی شده است.

علاوه بر مستندسازی، دو کتاب در حوزه سینما و تصویر نیز از او منتشر شده است. «لنزبازی و دوربین‌بازی عناوین کتاب‌هایی است که داوود مرادیان نوشته است. او آثار متعدد و متفاوتی دارد. برای نمونه می‌توان به «گیلان باره»، «بازی تمام شد»، «بعد از حصر» و «کلاشینکف‌های امریکایی» اشاره کرد. او درباره مسأله مسکن، مستند دیگری نیز ساخته است. «مسکن پرماجر» عنوان دیگر ساخته او در حوزه مسکن است. آخرین ساخته مستند او نیز «سلاح ایرانی» نام دارد. مجموعه‌ای که از شبکه مستند پخش شده است.

تلاش‌های امام برای خانه‌دار شدن مردم به این فرمان ختم نمی‌شود. امام خمینی در همان سال‌های اول انقلاب، فقه شیعه را نیز برای خانه‌دار شدن مردم ارتقا می‌دهد. اما جریان سوداگری و نداشتن قوانینی که در مقابل آنها بایستد، حتی فتوای امام را برای خانه‌دار شدن مردم بی‌اثر می‌کند.

شاید به همین دلیل باشد که داوود مرادیان کارگردان و نویسنده رؤیای آجری، اثر خود را این‌گونه توصیف می‌کند: «رؤیای آجری یعنی خمینی مظلوم، تنها، غریب».

حرف اصلی مستند درباره مبارزه با سوداگری در بخش مسکن است. بازار زمین و مسکن ایران، تقریباً از زمان پهلوی تا امروز ضابطه‌مند نیست.

سقف بالای سر مردم، سال‌هاست که وسیله سوداوری سوداگران و دلالان شده است. عدم مبارزه با سوداگری در بخش مسکن، تقصیر یک یا چند دولت نیست. اثر دخالت‌های فرح پهلوی در طرح جامع تهران همچنان باقی است. بنابراین، می‌توان گفت که معضل مسکن در ایران ریشه‌ای تاریخی دارد؛ تاریخی که بجز چند وقفه، همواره زندگی را برای مردم سخت‌تر کرده است.



تحولات سیاسی بوده است؛ از کودتا علیه مصدق گرفته تا اصلاحات ارضی و سقوط رژیم پهلوی. تقریباً همه دولت‌ها با مسأله مسکن چالش داشتند، چه دولت‌های قبیل و چه دولت‌های پس از انقلاب؛ اثراتی که کوتاه‌مدت هم نبوده است و تا امروز ادامه دارد است.

رؤیای آجری وضعیت مسکن در دوران پهلوی را در یک قسمت بررسی می‌کند، اما در همین یک قسمت، نتیجه باز گذاشتن دست سوداگران را نشان می‌دهد. محمدرضا پهلوی در تمام سال‌های حکومتش نتوانست مشکل مسکن را حتی برای مدت کوتاهی حل و فصل کند. نه به این دلیل که نخواست؛ او نمی‌توانست این کار را انجام دهد، حتی با دلاری نفتی که به اقتصاد ایران سرازیر شدند. در حکومت پهلوی، سوداگران زمین و مسکن به قدری پول باآورده نصیبشان شده بود که دربار را هم کنترل می‌کردند.

مستند از ایستگاه دوم به بعد، وضعیت مسکن را در سال‌های پس از انقلاب بررسی می‌کند. سال‌های پس از انقلاب نیز، با پیام امام خمینی (ره) در فروردین ۱۳۵۸ آغاز می‌شود. پیامی که امام تقریباً دو ماه پس از انقلاب صادر می‌کند؛ فرمانی برای ساخت مسکن.

این اتفاق زمانی می‌افتد که کردستان تا آستانه تجزیه رفته است اما امام خمینی (ره) رسیدگی به مردم‌گودنشین و حلبی‌آبادهای دوران پهلوی را در اولویت قرار داده است.

در رؤیای آجری، از قضاوت‌های یک‌طرفه یا بی‌دلیل خبری نیست. استفاده از تصاویر آرشیوی و مصاحبه با افراد مؤثر در مسأله مسکن، بار قضاوت را به دوش تاریخ انداخته

نقد

مستند «رؤیای آجری» روایتی متفاوت از تاریخچه سیاست‌گذاری مسکن در ۶۰ سال اخیر کشور است و تحولات این حوزه را از دوره دکتتر مصدق تا امروز به تصویر می‌کشد.

در این فیلم مستند ضمن استفاده از تصاویر آرشیوی، بسیاری از بازیگران اصلی حوزه مسکن و افراد تأثیرگذار اخیر داشته‌اند در برابر دوربین قرار گرفته و روایتگر اتفاقاتی می‌شوند که بر این کالی مورد نیاز مردم گذشته است.

رؤیای آجری خود را تنها به بررسی معضل مسکن در چند سال اخیر محدود نمی‌کند و به هر اتفاقی که در این سال‌ها افتاده، از دریچه مسکن نگاه کرده است.

تا قبل از این مستند شاید کسی نداند، دولتی که نامش در کنار صنعت نفت آورده می‌شود، اولین مصوباتش درباره کنترل زمین‌خواری است و مقابله با زمین‌خواری دربار پهلوی چه نقشی در کودتا علیه مصدق داشت. یا شاید کمتر کسی بداند که بنی‌صدر با وامی که برای ساخت مسکن داد چگونه رئیس‌جمهور شد. وام بنی‌صدر، بانک مسکن را تقریباً ورشکسته کرد و پس از به قدرت رسیدن نیز آن را کنار گذاشت.

تمرکز کارگردان بر یک موضوع، مستند را بی‌رسمی نکرده است. بلکه به مخاطب اجازه می‌دهد تا اشخاص و دولت‌های مختلف را با یک معیار مشخص مقایسه کند. رؤیای آجری نشان می‌دهد که در قرن گذشته، مسکن یک پای اصلی